

## سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان

حسین محمودیان<sup>۱</sup>

### چکیده

زمان ازدواج و تشکیل خانواده، چرخه زندگی خانوادگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ساختارهای کلان اقتصادی و اجتماعی، ویژگی‌های فردی و دسترسی به همسر مناسب، موجبات تعجیل یا تأخیر در ازدواج را فراهم می‌آورند. افزایش سن ازدواج در دوره معاصر، دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی را نیز به همراه داشته است. تحقیق حاضر با استفاده از داده‌های طرح "آمارگیری از خصوصیات اجتماعی - اقتصادی خانوار" مرکز آمار در سال ۱۳۸۰، علل مؤثر بر زمان ازدواج مردان و زنان در ایران را مورد بررسی قرار داده است. ازدواج‌های جدیدتر، در سنین بالاتری اتفاق افتاده‌اند. میزان تحصیلات، به‌ویژه در مقاطع بالای تحصیلی، با افزایش سن ازدواج همبستگی داشته است. شهرنشینی، مشارکت زنان در نیروی کار، ازدواج‌های آزادتر، برابری بیشتر جنسیتی و نسبت خویشاوندی دورتر زوجین، اثر مستقیمی بر سن ازدواج داشته‌اند. قومیت در افزایش و کاهش سن ازدواج تأثیر داشته است. در تحلیل چندمتغیره، مدت ازدواج، میزان تحصیلات، محل سکونت، نسبت خویشاوندی با همسر و قومیت، اثر معنی‌دار خود را حفظ کرده‌اند. این تأثیرات می‌توانند با توجه به دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی جامعه در جهت تلاش برای ارتقای موقعیت زنان، تحول در نظام‌های شغلی، تغییر سهم افراد آماده ازدواج و جویای کار در جمعیت، تحول در میزان دستیابی به همسر مناسب و تغییرات در هنجارها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده تفسیر شوند.

### واژگان کلیدی:

سن ازدواج، میزان تحصیلات، نوسازی، موقعیت زنان، قومیت و نسبت با همسر.

## مقدمه

ازدواج مبنای تشکیل خانواده یعنی اولین و مهم‌ترین واحد اجتماعی است. با تشکیل این واحد، انجام یکی از وظایف مهم خانواده یعنی فرزندآوری آغاز می‌شود. بنابراین ارتباط ازدواج و تشکیل خانواده با تجدید نسل انسانی (باروری)، بسیار تنگاتنگ است. زمان وقوع ازدواج (سنی که در آن ازدواج اتفاق می‌افتد)، تأثیر بلافصل و بدون واسطه‌ای را بر باروری اعمال می‌کند. معمولاً ازدواج‌های زودرس‌تر یا سنین پایین‌تر شروع ازدواج، با میزان باروری ارتباط مستقیم دارند، هرچند تصمیم‌گیری زوجین در مورد خواستن یا نخواستن (تقاضای) فرزند و زمان این تقاضا در دوران حیات خانواده، می‌تواند این رابطه را تحت تأثیر قرار دهد.

جوامع انسانی طی دو قرن اخیر، شاهد افزایش قابل توجه سن ازدواج بوده‌اند. این افزایش نخست در کشورهای اروپایی اتفاق افتاد و سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه سرایت کرد (لوکاس و میر ۱۳۸۱: ۱۲۹). افزایش قابل توجه سن ازدواج زنان (سن ازدواج بیشتر از سن بلوغ) پس از قرن‌ها تجربه ازدواج زودرس، پدیده‌ای مهم در حوزه تغییرات اجتماعی به شمار می‌رود. ایران نیز همانند سایر کشورهای در حال توسعه، این مسئله را تجربه کرده است. درصد افراد ازدواج‌کرده ۱۹-۱۵ ساله مرد از ۶/۳ در سال ۱۳۳۵ به ۲/۶ در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. کاهش درصد مشابه برای زنان در دوره مورد نظر از ۴۱/۰ به ۱۷/۹ بوده است (زنجانی و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۹). بررسی بهداشتی و جمعیتی ایران، درصد نزدیک به ۱۶ را برای زنان در سال ۱۳۷۹ نشان می‌دهد (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۱۳۸۱: ۳۸).

تشکیل خانواده در سنین بالاتر می‌تواند تبعات مختلفی را به همراه داشته باشد. همان‌طور که بیان شد، مهم‌ترین اثر آن از نظر جمعیت‌شناختی، ایجاد دگرگونی در الگوهای زاد و ولد است. کاهش فراگیر باروری در کشورهای مختلف از جمله ایران، بیشتر نتیجه ازدواج در سنین بالاتر است (عباسی شوازی، ۲۰۰۰). علاوه بر این، ازدواج افراد در سنین بالاتر می‌تواند ساختار خانواده، تعامل اعضای آن با یکدیگر و الگوهای رفتاری افراد خانواده را از طریق دگرگونی در چرخه زندگی خانوادگی متأثر سازد. عوامل مختلفی می‌توانند سن ازدواج را تحت تأثیر قرار دهند که از جمله می‌توان به میزان تحصیلات، اشتغال به کار خارج از خانه (برای زنان)، در

دسترس بودن همسر مناسب، میزان آزادی در انتخاب همسر و موقعیت زنان اشاره کرد. نظر به مهم بودن زمان تشکیل خانواده در تغییر وضعیت افراد، شناسایی عوامل مؤثر بر سن ازدواج و تبیین میزان و نحوه تأثیر آنها، می‌تواند در پیش‌بینی تبعات مختلف آن مثمر باشد. این مطالعه بر آن است تا با استفاده از اطلاعات و داده‌های طرح "آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار" مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۰، به هدف بالا دست یابد.

### مبانی نظری

ازدواج، یکی از اشکال وصلت‌های نکاحی است. وصلت‌های نکاحی یا زناشویی، به هر وصلت ثابت، متشکل از دو جنس اشاره دارد. در ازدواج زوجین از طریق مراسم وصلت را قانونی می‌کنند، دائمی بودن وصلت قابل انتظار بوده و داشتن فرزند در چنین وصلت‌هایی دارای مشروعیت قانونی و اجتماعی است (لوکاس و میر ۱۳۸۱: ۱۲۴). به نظر لوی اشتروس، ازدواج برخوردی است دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت، یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی (مهدوی ۱۳۷۷: ۱۰). بنابراین ازدواج قاعده‌مند کردن روابط جنسی بین دو جنس است.

تمایل به جنس مخالف که مبنای ازدواج را تشکیل می‌دهد، تابع شرایط زیست‌شناختی رشد است. زمان ایجاد این تمایل در هر دو جنس تحت عنوان سن بلوغ معرفی می‌شود. اما همه ازدواج‌ها در سنین بلوغ انجام نمی‌گیرند. از آنجا که ارتباط نکاحی بین دو نفر در قالب ازدواج مسبوق به وجود توافق جمعی در باره آن است، قواعد اجتماعی حاکم بر ازدواج، تعیین‌کننده اصلی زمان ازدواج‌اند و فاصله گرفتن زمان ازدواج از سن بلوغ، ممکن است در زمان‌های مختلف، اشکال متفاوتی پیدا کند. در دو قرن اخیر جوامع مختلف شاهد تغییر سن ازدواج (عمدتاً افزایش)، به‌ویژه برای زنان، بوده‌اند. به علت اهمیت این تغییر و تبعات مختلف آن، بسیاری از مطالعات بر آن شدند که با استفاده از اطلاعات و داده‌های مرتبط با آن، تبیین و تفسیر مناسبی را برای علت وقوع این پدیده پیدا کنند.

بعضی از مطالعات، تغییر در سن ازدواج را به تغییرات اقتصادی و اجتماعی جوامع (مراحل توسعه) نسبت داده‌اند. بر اساس این دسته از مطالعات، الزامات اقتصادی و اجتماعی هر دوره، زمان تشکیل خانواده و الگوهای آن را تعیین می‌کند (ساروخانی ۱۳۷۰: ۱۲۸؛ سگالن ۱۳۷۰: ۱۳۵). برای مثال در پایان زمان ماقبل

صنعتی (کشاورزی) و در ابتدای مرحله صنعتی شدن، مردان در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند. علت اصلی تأخیر در ازدواج، به عدم آمادگی اقتصادی افراد بر می‌گردد بدین صورت که آماده شدن افراد برای ازدواج از نظر اقتصادی (تهیه امکانات لازم برای زندگی مستقل) به زمان بیشتری نیاز دارد. از طرف دیگر، افزایش سن ازدواج در ابتدای صنعتی شدن را می‌توان به کمتر شدن کنترل خانواده در ازدواج نسبت داد (میشل ۱۳۵۴: ۱۴۶).

با صنعتی شدن کامل، سطح رفاه جامعه در نتیجه فراوانی امکانات بسیار بهبود می‌یابد. در این حالت، تدارک زندگی مستقل، آسان‌تر شده و همراه با افزایش آزادی افراد در همسرگزینی، سن ازدواج کاهش پیدا می‌کند.

بعضی محققان برای تبیین تفاوت در زمان تشکیل خانواده بین افراد، از مفهوم نوسازی<sup>۱</sup> استفاده کرده‌اند (مالهوترا<sup>۲</sup> و تسوی<sup>۳</sup> ۱۹۹۶)، اگرچه ممکن است تمایز بین توسعه‌یافتگی و نوسازی در این خصوص اهمیت زیادی نداشته باشد. براین اساس، کاهش یا افزایش سن ازدواج، با درجات نوسازی مقایسه شده است. در جریان نوسازی، خانواده‌محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود. فرایند نوسازی با ترجیح خانواده‌هستهای، فردمحوری (در مقابل خانواده‌محوری)، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج‌های با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می‌کند. آسان تر شدن تدارک زندگی مستقل در نوسازی کامل، همانند صنعتی شدن، می‌تواند کاهش سن ازدواج را به همراه داشته باشد.

در جریان نوسازی، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده، به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود. این تغییر کارکرد، شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خویشاوندی می‌کند و در نتیجه، خانواده به واحد هسته‌ای که بر فردگرایی استوار است، تبدیل می‌شود. فردگرایی بدین معنی است که بخش عمده‌ای از تصمیمات مربوط به زندگی اعضای خانواده، مانند تصمیم‌گیری در مورد تشکیل خانواده و ازدواج، توسط خود افراد اتخاذ می‌شود. این فردگرایی که می‌تواند به عنوان کنترل بیشتر افراد بر سرنوشت خود تلقی شود، فرایند تصمیم‌گیری و عملی شدن آن را، در مقایسه با زمانی که توسط خانواده انجام می‌شد، متحول می‌کند. از این‌رو شروع نوسازی با تأخیر در تحقق تصمیمات فردی هماهنگ است. ازدواج‌های با انتخاب آزاد معمولاً با سنین

1-Modernization

2-Malhotra

3-Tsui

ازدواج بالاتر همبسته‌اند (جنسن<sup>۱</sup> و تورنتون<sup>۲</sup>؛ ۲۰۰۳؛ لوکاس و میر<sup>۳</sup>؛ ۱۳۸۱؛ مالهوترا<sup>۴</sup>؛ ۱۹۹۷). زیرا در این نوع ازدواج‌ها، بسیاری از هماهنگی‌ها و الزامات مربوط به ازدواج به عهده فرد در شرف ازدواج بوده و انجام این امور، به تنهایی، معمولاً نیازمند زمان بیشتری است. احتمال وقوع ازدواج‌های از پیش تعیین شده در نظام‌های خانوادگی هسته‌ای در مقایسه با نظام‌های خانوادگی گسترده، کمتر است، زیرا ازدواج هر یک از افراد خانواده گسترده، وضعیت سایر افراد آن خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه، سایر افراد خانواده در انجام امور مربوط به ازدواج سهیم می‌شوند.

گسترش و همگانی شدن تحصیلات، یکی از ره‌آوردهای مهم نوسازی است. تأثیر قدرتمند میزان تحصیلات بالا بر افزایش سن ازدواج (به‌ویژه سن ازدواج زنان)، در بسیاری از مطالعات نشان داده شده است (اسمیت<sup>۳</sup>؛ ۱۹۸۰؛ جاشی<sup>۴</sup>؛ ۲۰۰۳؛ سگالن<sup>۵</sup>؛ ۱۳۷۰؛ کویسسومینگ<sup>۶</sup> و هالمن<sup>۶</sup>؛ ۲۰۰۳؛ میترا<sup>۷</sup>؛ ۲۰۰۴). افزایش تحصیلات افراد، بسیاری از عوامل مهم مرتبط با ازدواج نظیر انتظار از روابط زناشویی و ازدواج و نحوه انتخاب همسر را تحت تأثیر قرار داده است. مثلاً برای زنان با تحصیلات بالاتر، امکان حضور فعال در بخش‌های مختلف جامعه بیشتر می‌شود. در نتیجه، آنها برای خود موقعیتی مشابه با موقعیت مردان را طلب می‌کنند. تلاش برای دستیابی به این موقعیت و ایجاد امنیت کافی برای پایدار بودن آن در طول زندگی، هم زمان و هم فرایند تشکیل خانواده را دچار دگرگونی می‌کند. یافتن همسری که بتواند این موقعیت مورد انتظار را به رسمیت بشناسد و در حفظ و تداوم آن کوشا باشد، چندان ساده نیست. علاوه بر آن، یافتن چنین همسری تا حد زیادی مسبوق به بهبود موقعیت از طریق افزایش تحصیلات است. برای مردان نیز، همانند زنان، نوع توقع از روابط زناشویی و زمان آمادگی برای آغاز زندگی زناشویی به علت افزایش میزان تحصیلات، دگرگون شده است. رابطه بین میزان تحصیلات و افزایش سن ازدواج در همه سطوح تحصیلی، به یک اندازه نیست و

- 1- Jensen
- 2- Thornton
- 3- Smith
- 4- Joshi
- 5- Quisumbing
- 6- Hallman
- 7- Mitra

قوی‌تر شدن این رابطه با افزایش سطوح تحصیلی در بعضی تحقیقات نشان داده است (کوئیسومینگ و هالمن ۲۰۰۳؛ میترا ۲۰۰۴).

بهبود موقعیت زنان، به‌عنوان یکی از جنبه‌های نوسازی، تأثیر زیادی بر زمان ازدواج زنان دارد. نوسازی از طریق گسترش تحصیلات عمومی و فراهم کردن امکان حضور در فعالیت‌های بیرون از خانه، موقعیت زنان را بهبود بخشیده است. موقعیت بهبودیافته زنان با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و کاهش باروری همراه بوده است (کسترلاین<sup>۱</sup> ۱۹۸۶؛ کوئیسومینگ و هالمن ۲۰۰۳). از طرف دیگر، آسیب‌پذیری بیشتر زنان در ازدواج‌های زودرس، در برخی مطالعات نشان داده شده است. در مطالعه اتاویوتی<sup>۲</sup> و پابی<sup>۳</sup> (۲۰۰۳)، ازدواج زودرس زنان با افزایش فقر، به‌ویژه در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا، همراه بوده و استمرار زنانه‌شدن فقر به ازدواج‌های زودرس نسبت داده شده است. در مطالعه جنسن و تورنتون (۲۰۰۳)، ازدواج زودرس زنان با تحصیلات کمتر، قدرت تصمیم‌گیری کمتر در خانوار، فرزندآوری زودتر و تجربه بیشتر خشونت خانوادگی همراه بوده است.

نوسازی با تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت و تغییر ایده‌ها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده، وضعیت افراد آماده ازدواج از لحاظ در دسترس بودن همسر مناسب در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای در حال توسعه را تحت تأثیر قرار داده است. از آنجا که زوجین سنین متفاوتی دارند، عدم تساوی در تعداد مرد و زن (افراد آماده ازدواج) می‌تواند زمان ازدواج دو جنس را تحت تأثیر قرار دهد، وضعیتی که فشار یا مضیقه ازدواج<sup>۴</sup> خوانده می‌شود. در این حالت ممکن است زمان ازدواج برای جنسی که تعداد آن بیشتر است، به تعویق بیفتد، زیرا همسران مناسبی برای آنها یافت نمی‌شوند. از طرف دیگر، به‌علت بیشتر بودن تعداد همسران بالقوه برای جنسی که تعدادش کمتر است، احتمال ازدواج زودتر برای این دسته از افراد افزایش می‌یابد. اثر این وضعیت بر تفاوت در سن ازدواج بین مردان و زنان در بسیاری از مطالعات نشان داده شده است (پرستون<sup>۵</sup> و استرانگ<sup>۶</sup> ۱۹۸۶؛ درودی آهی<sup>۷</sup> ۱۳۸۱؛ جعفری مؤدهی<sup>۸</sup> ۱۳۸۲، کارمایکل<sup>۹</sup> ۱۹۸۸). درودی آهی

1- Casterline  
2- Otoo-Oyoutey  
3- Pobi  
4- Marriage squeeze  
5- Preston  
6- Strong  
7- Carmaichael

(۱۳۸۱) و جعفری مزدهی (۱۳۸۲)، با مطالعه مضیقه ازدواج در ایران و نشان دادن فزونی تعداد زنان، در مقایسه با مردان، در بین افراد آماده ازدواج، تأخیر در سن ازدواج زنان را نتیجه‌گیری کردند. کاهش باروری و تغییر در ساختار سنی جمعیت، نسبت افراد جوان آماده برای فعالیت در جمعیت‌ها را افزایش داده است، مسئله‌ای که جایزه جمعیتی<sup>۱</sup> خوانده می‌شود. در این وضعیت، نسبت وابستگی جمعیت کاهش می‌یابد و فرصت مناسبی برای رشد اقتصادی فراهم می‌شود (والین<sup>۲</sup> ۲۰۰۴). اما رشد اقتصادی حاصل از این وضعیت زمانی امکان‌پذیر است که ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه بتواند این نیروی انسانی اضافی را به‌طور مناسب جذب کند. جذب نامناسب این نیرو، بیکاری و بسیاری از مشکلات مرتبط با آن را به‌وجود می‌آورد. این مشکلات ممکن است وضعیت زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد و زمان ازدواج جوانان را به تعویق بیندازد. تغییر وضعیت مشاغل در جهت اهمیت یافتن بخش عمومی و مشاغل خارج از حوزه خانوادگی و شخصی در کشورهای در حال توسعه، دستیابی به مشاغل دلخواه را مشکل کرده است. علاوه بر آن، دستیابی به این مشاغل نیازمند آموزش‌های تخصصی است. بنابراین جوانان برای دستیابی به نتایج اقتصادی سرمایه‌گذاری آموزشی، گریز از بیکاری و به علت ترس از تشکیل خانواده، ازدواج خود را به تعویق می‌اندازند (کالدول<sup>۳</sup> ۱۹۹۸؛ کویسومینگ و هالمن<sup>۳</sup> ۲۰۰۳). افزایش میزان و شدت مشکلات اقتصادی در ازدواج‌های جدید، در بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج در ایران نیز نشان داده شده است (مهدوی ۱۳۷۷). مشکلات اقتصادی حاصل از این وضعیت و بهبود موقعیت زنان، نگرانی والدین افراد آماده ازدواج را بیشتر کرده است. این نگرانی که معمولاً در قالب تأکید والدین دختر بر ادامه تحصیل، در جهت تأمین وضعیت آتی، و سخت‌گیری بیشتر در مورد ثبات وضعیت اقتصادی شوهر و مقدار مهریه نمایان می‌شود، موجب به تأخیر افتادن ازدواج می‌شود (کالدول ۱۹۸۳؛ مهدوی ۱۳۷۷).

ایده‌ها و نگرش‌های فرهنگی می‌توانند به‌طور مستقل زمان ازدواج را تحت تأثیر قرار دهند. در مطالعه علل مؤثر بر سن ازدواج در سریلانکا (مالهوترا، ۱۹۹۶)، ارتباط بین افزایش سن ازدواج و بهبود موقعیت زنان، با هنجارهای فرهنگی سنتی موافق با پیشرفت زنان (در زمان توسعه اقتصادی نه چندان قابل توجه) تأیید شده

1- Demographic bonus  
2- Vallin  
3- Caldwell

است. این مطالعه، همچنین نشان داده است که اثر سال‌های تحصیل و مدت اشتغال بر زمان ازدواج بعد از کنترل قومیت (عامل فرهنگی) معنی‌داری خود را از دست می‌دهند. در مطالعه نقش زنان در روند ازدواج در ایران (آقاجانیان<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱)، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تقویت اعتقادات مذهبی در تشویق جوانان به ازدواج، از عوامل مؤثر بر افزایش میزان ازدواج بعد از سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) به شمار آمده‌اند. با بررسی نگرش جوانان در مورد ازدواج (قبل و بعد از انقلاب) توسط تشکری<sup>۲</sup> و تامسون<sup>۳</sup> (۱۹۸۸)، اثر انقلاب در سستی‌تر شدن نگرش‌های جوانان تأیید شده است.

ویژگی‌های خانوادگی افراد نظیر میزان تحصیلات والدین، نحوه گذران اوقات فراغت، وجود جایگزین‌هایی برای زندگی ازدواجی و محل سکونت، از عوامل دیگری هستند که تأثیر آنها بر زمان ازدواج در برخی مطالعات نشان داده شده است. تأثیر تحصیلات والدین بر کاهش سن ازدواج در مطالعه عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر سن ازدواج در نپال (میترا<sup>۴</sup> ۲۰۰۴) نشان داده شده و نقش تحصیلات مادر، در این مورد مهم‌تر بوده است. شهرنشینی به عنوان یکی از شاخص‌های نوسازی، عمدتاً با ازدواج در سنین بالاتر هماهنگ است. افزایش امکانات مربوط به گذران اوقات فراغت نیز معمولاً موجب ازدواج‌های دیررس می‌شود. در کشورهایی که جایگزین‌های زندگی ازدواجی در دسترس و پذیرفته شده باشد یا فعالیت جنسی خارج از ازدواج مقبول باشد، میزان شیوع ازدواج پایین‌تر است.

همان‌طور که بیان شد، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی افراد نظیر میزان تحصیلات و اشتغال، وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه، عوامل فرهنگی نظیر نگرش به ازدواج و انتظارات از ازدواج و خانواده، میزان در دسترس بودن همسر مناسب و موقعیت زنان در جامعه، عوامل اصلی مؤثر بر زمان ازدواج به‌شمار می‌روند. در این بررسی با استفاده از داده‌های موجود سعی می‌شود تا تأثیر بعضی از این عوامل (با توجه به نوع داده‌ها و اطلاعات در دسترس) بر زمان ازدواج زنان و مردان مورد بررسی قرار بگیرد.

## روش بررسی و داده‌ها

روش بررسی در این تحقیق، تحلیل ثانوی داده‌های موجود است. داده‌های حاصل از طرح "آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار" سال ۱۳۸۰ برای بررسی رابطه بین سن ازدواج و عوامل مؤثر بر آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. این طرح که در سال ۱۳۸۰ توسط مرکز آمار ایران انجام شده، بعضی از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای نمونه در کل کشور را مورد سنجش قرار داده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۶۹۶۰ خانوار، در سطح کشور، به عنوان نمونه انتخاب شدند. نظر به اینکه اغلب ازدواج‌ها در ۱۵ تا ۴۹ سالگی اتفاق می‌افتند، جامعه آماری در این بررسی در برگزیده کلیه افراد ازدواج کرده ۱۵-۴۹ ساله است. با توجه به تفاوت بین زنان و مردان در سن ازدواج، کلیه تجزیه و تحلیل‌ها به تفکیک جنس انجام می‌گیرند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، عمدتاً از روش‌های آماری دومتغیره و چندمتغیره استفاده می‌شود.

متغیرهای مستقل سن، قومیت (زبان محلی و قومی)، محل سکونت (روستا، شهری)، وضع سواد، (بی‌سواد، با سواد) میزان تحصیلات، نسبت خویشاوندی با همسر (خویشاوند نزدیک، سایر خویشاوندان و غیر خویشاوند)، نحوه انتخاب همسر (توصیه پدر و مادر، توصیه خویشاوندان نزدیک، توصیه سایر خویشاوندان و دوستان خانوادگی، توصیه دوستان فرد و انتخاب شخصی)، وضع فعالیت (غیر فعال، فعال)، نگرش زنان نسبت به برابری زن و مرد، نگرش زنان نسبت به زمان ازدواج پسران و دختران، متغیرهای دوجنسی مربوط به زبان‌های قومی و رده‌های تحصیلی (کمتر از متوسطه، متوسطه، فوق دیپلم و سایر مدارک دانشگاهی)، نگرش زنان نسبت به برابری جنسیتی و طول دوره ازدواج از مهم‌ترین متغیرهایی هستند که ارتباط آنها با متغیر وابسته سن ازدواج سنجیده می‌شود.

## یافته‌ها

جدول ۱ توزیع نسبی افراد نمونه را بر حسب سن ازدواج به تفکیک جنس در سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیش از ۷۵ درصد ازدواج‌ها در ۱۵ تا ۲۴ سالگی اتفاق افتاده‌اند و در حدود ۷ درصد ازدواج‌ها مربوط به سنین کمتر از ۱۵ سال است. این وضعیت در بین زنان و مردان تفاوت معنی‌داری داشته و علت اصلی آن هم ازدواج زودرس‌تر زنان نسبت به مردان است. درصد افراد ازدواج کرده مرد ۱۵ تا ۲۴ ساله حدود ۷۱ درصد (کمتر از درصد مورد نظر برای کل نمونه بوده و این درصد برای زنان حدود ۸۰

درصد) به مراتب بیشتر از درصد مربوط به کل نمونه است. آغاز زندگی خانوادگی برای حدود یک سوم مردان بعد از ۲۵ سالگی است.

جدول ۱- توزیع نسبی افراد نمونه بر حسب سن ازدواج به تفکیک جنس، ۱۳۸۰

سن ازدواج	مرد	زن	جمع
کمتر از ۱۵ سال	۰/۰	۱۳/۰	۷/۲
۱۵-۱۹ ساله	۱۷/۲	۵۴/۵	۳۷/۷
۲۰-۲۴ ساله	۵۲/۵	۲۵/۷	۳۷/۷
۲۵ ساله و بیشتر	۳۰/۳	۶/۸	۱۷/۴
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
تعداد	۴۵۸۹	۵۶۳۴	۱۰۲۲۳
میانگین	۲۲/۹	۱۸/۴	۲۰/۴

سن ازدواج زنان

همان طور که نشان داده شد و انتظار نیز می‌رود، سنین ازدواج زنان نسبت به مردان پایین تر است. اما تفاوت در شروع زندگی خانوادگی بین زنان ممکن است از عوامل مختلفی تأثیر پذیرفته باشد. جدول ۲، میانگین سن ازدواج زنان را بر حسب بعضی از متغیرها نشان می‌دهد. روابط بیان شده، همگی، با فاصله اطمینان بیش از ۹۹ درصد معنی دارند. تغییرات بر حسب سن زنان نشان‌دهنده رابطه تقریباً معکوس بین سن ازدواج و سن است، از این رو افراد جوان‌تر در سنین بالاتری تشکیل خانواده می‌دهند. تفاوت بر حسب طول دوره ازدواج رابطه قوی‌تری را با میانگین سن ازدواج نشان می‌دهد، هرچند پایین بودن سن ازدواج برای افراد دارای طول ازدواج طولانی‌تر ممکن است ناشی از اشتباهات مربوط به گزارش سن باشد. این وضعیت، همچنین ممکن است از نمونه کمی که افراد دارای سن ازدواج نسبتاً پایین را در برگرفته، ناشی شود. میانگین سن ازدواج افراد باسواد، در مقایسه با افراد بی‌سواد، بالاتر است. همچنین سطوح تحصیلی رابطه معکوسی با میانگین سن ازدواج دارند که مشخص می‌کند تحصیلات با بهبود موقعیت زنان، تأخیر ازدواج را به همراه

داشته است. تغییرات بر حسب میزان تحصیلات نشان‌دهنده رابطه قوی‌تر برای سطوح بالاتر تحصیلات است. (این نکته‌ای است که در برخی مطالعات قبلی نیز نشان داده شده است.) بنابراین تأثیر عمده تحصیلات زمانی است که میزان آن از حد آستانه فراتر رود. فعالیت اقتصادی به عنوان نشانه‌ای از مشارکت زنان در فعالیت‌های بیرون از خانه، با سن ازدواج رابطه معکوسی دارد. این وضعیت نیز به عنوان تقویت‌کننده موقعیت زنان با تأخیر ازدواج همراه بوده است.

قومیت که از طریق زبان قومی مورد تکلم در خانه سنجیده شده است، رابطه معنی‌داری را با سن ازدواج داشته است. زنان بلوچ و لر، به ترتیب دارای پایین‌ترین و افرادی که به زبان گیلکی و ترکمنی صحبت می‌کردند، به ترتیب دارای بالاترین سن ازدواج بودند. تفاوت بر حسب قومیت می‌تواند انعکاس‌دهنده تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی باشد، هرچند اثر مستقل قومیت به عنوان عامل فرهنگی نیز ممکن است قابل توجه باشد. این وضعیت ممکن است با کنترل سایر متغیرها مشخص شود. علاوه بر آن، تفاوت در تعداد نمونه‌های هر گروه قومی ممکن است در تغییر مقادیر مربوط به سن ازدواج دخیل باشد.

جدول ۲- میانگین سن ازدواج زنان بر حسب بعضی از متغیرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی، ۱۳۸۰

متغیر	میانگین	تعداد	متغیر	میانگین	تعداد
سن			وضع فعالیت		
۱۵-۱۹ ساله	۱۶/۲	۳۹۴	فعال	۱۹/۱	۱۲۴۲
۲۰-۲۴ ساله	۱۸/۳	۸۳۷	غیر فعال	۱۸/۲	۴۳۸۹
۲۵-۲۹ ساله	۱۸/۹	۹۳۰	قومیت (زبان قومی)		
۳۰-۳۴ ساله	۱۸/۸	۹۷۲	بلوچی	۱۶/۲	۱۳۲
۳۵-۳۹ ساله	۱۸/۵	۹۵۵	ترکمنی	۱۹/۶	۳۹
۴۰-۴۴ ساله	۱۸/۵	۸۱۷	ترکی	۱۸/۱	۱۴۴۵
۴۵-۴۹ ساله	۱۷/۹	۷۲۹	عربی	۱۸/۱	۱۷۳
			کردی	۱۸/۵	۳۸۸
طول دوره ازدواج			گیلکی	۲۰/۴	۲۲۷
۰-۴ سال	۱۹/۹	۱۱۷۶	لری	۱۷/۳	۵۰۷
۵-۹ سال	۱۹/۶	۸۴۹	مازندرانی	۱۹/۴	۲۹۹
۱۰-۱۴ سال	۱۸/۹	۸۴۸	فارسی	۱۸/۵	۲۴۲۱
۱۵-۱۹ سال	۱۸/۰	۸۶۳	نحوه انتخاب همسر		
۲۰-۲۴ سال	۱۷/۸	۸۹۰	توصیه پدر و مادر	۱۷/۶	۲۷۶۱
۲۵-۲۹ سال	۱۶/۹	۵۹۵	توصیه خویشاوندان نزدیک	۱۸/۸	۳۰۰
۳۰-۳۴ سال	۱۵/۱	۳۶۳	توصیه سایر خویشاوندان	۲۰/۱	۲۴۳
۳۵-۳۹ سال	۱۱/۹	۴۸	توصیه دوستان فرد	۲۱/۲	۷۵
سواد			انتخاب شخصی	۱۹/۰	۲۲۴۵
یا سواد	۱۸/۷	۴۲۳۲	نسبت با همسر		
بی سواد	۱۷/۲	۱۴۰۲	خویشاوند نزدیک	۱۷/۵	۱۲۲۰
مدرک تحصیلی			سایر خویشاوندان	۱۷/۸	۱۱۶۲
			غیر خویشاوند	۱۸/۹	۳۲۴۶
			محل سکونت		
			روستا	۱۷/۹	۲۲۶۶
			شهر	۱۸/۷	۳۳۶۸
ابتدایی ناقص	۱۷/۶	۵۷۳			
ابتدایی کامل	۱۷/۸	۸۳۳			
راهنمایی ناقص	۱۷/۶	۴۲۶			
راهنمایی کامل	۱۷/۹	۵۴۷			
متوسطه ناقص	۱۸/۳	۲۹۸			
متوسطه کامل	۲۰/۳	۹۰۹			
فوق دیپلم	۲۲/۳	۱۰۰			
سایر مدارک دانشگاهی	۲۳/۲	۲۱۴			
حوزوی	۲۰/۹	۱۰			
	۱۸/۱	۳۲۲			

شهرنشینی نیز به عنوان شاخصی از نوسازی، با ازدواج‌های در سنین بالاتر ارتباط داشته است. تأثیر شهرنشینی بر سن ازدواج، ممکن است با بالاتر بودن نسبت افراد باسواد و افراد دارای تحصیلات بالاتر، فعالیت اقتصادی بیشتر و ازدواج آزادانه‌تر همراه باشد.

نحوه انتخاب همسر به عنوان شاخصی که نشان‌دهنده شیوع ازدواج‌های آزاد در مقابل ازدواج‌های از قبل تنظیم شده است، می‌تواند رابطه معنی‌داری با سن ازدواج داشته باشد. همان‌طور که نشان داده شده، کسانی که همسر خود را شخصا انتخاب کرده‌اند و کسانی که انتخاب آنها تابع توصیه‌ی دوستان بوده است، نسبت به آنهایی که براساس رأی والدین عمل کرده‌اند، دارای ازدواج دیررس‌تر بوده‌اند. همان‌طور که بیان شد، این وضعیت می‌تواند تا حد زیادی ناشی از زمان‌بر و پیچیده‌تر بودن انتخاب آزاد همسر باشد. داشتن نسبت نزدیک خویشاوندی با همسر می‌تواند حاکمیت نظام‌های خانوادگی گسترده را نشان دهد و این نظام‌ها با ازدواج‌های زودرس‌تر و غیرآزادانه‌تر همراه هستند. داده‌ها، همچنین ازدواج زودرس‌تر را برای افرادی که دارای درجه‌ی خویشاوندی نزدیک‌تری با همسر خود بوده‌اند، نشان می‌دهند.

نحوه نگرش زنان نسبت به ازدواج و وضعیت‌های مرتبط با آن، می‌تواند زمان ازدواج آنها را تحت تأثیر قرار دهد. نگرش‌های ناظر بر بهبود موقعیت زنان و افزایش برابری جنسیتی، قطعاً در زمانی که نابرابری زیادی از نظر اقتصادی و اجتماعی بین زنان و مردان وجود دارد، ممکن است با ازدواج‌های دیررس‌تر همراه باشد. جدول ۳، میانگین سن ازدواج را با نوع نگرش‌های زنان نسبت به برابری مرد و زن در بعضی از موضوعات مربوط به زندگی خانوادگی نشان می‌دهد. تمامی روابط بیان‌شده در این جدول، همانند جدول ۲، از نظر آماری معنی‌دار آماری‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود کسانی که به برابری بین زن و مرد در حوزه‌های مختلف نظیر آموزش، اشتغال، انتخاب همسر، فعالیت‌های سیاسی و موارد دیگر اعتقاد دارند، سن ازدواج بالاتری دارند. این موضوع ممکن است منعکس‌کننده پتانسیل لازم برای بهبود موقعیت زنان که با سن ازدواج بالاتر هماهنگ است، باشد. اهمیت برابری در تعیین تعداد و فاصله سنی فرزندان، انتخاب همسر و آموزش از سایر موارد بیشتر بوده است. در مورد داشتن سهم مساوی مرد و زن در انجام امور مربوط به خانه‌داری و پرورش و تربیت فرزندان، سن ازدواج بالاتر مربوط به کسانی است که به برابری بیشتری در این زمینه‌ها اعتقاد داشته‌اند.

جدول ۳- میانگین سن ازدواج زنان بر حسب نگرش زنان نسبت به برابری مرد و زن در بعضی از

موضوعات مرتبط با زندگی خانوادگی، ۱۳۸۰

متغیر	میانگین	تعداد	متغیر	میانگین	تعداد
برابری در آموزش			برابری در پرورش فرزندان		
بلی	۱۸/۴	۵۰۳۰	بلی	۱۸/۷	۲۳۶۵
خیر	۱۷/۶	۵۳۹	بلی، تا حدودی	۱۸/۲	۲۴۴۱
برابری در اشتغال			نه، این فقط کار زنان است	۱۷/۷	۷۲۰
بلی	۱۸/۵	۴۴۳۱	نمی‌دانم	۱۷/۲	۴۳
خیر	۱۷/۹	۱۱۳۹	برابری در انجام امور خانه		
برابری در فعالیت‌های سیاسی			بلی	۱۸/۶	۱۱۸۳
بلی	۱۸/۶	۳۱۷۳	بلی، تا حدودی	۱۸/۵	۲۹۷۰
خیر	۱۸/۱	۲۳۹۴	نه، این فقط کار زنان است	۱۷/۷	۱۳۶۲
برابری در پست‌های بلند پایه			نمی‌دانم	۱۷/۹	۵۵
حکومتی			زمان مناسب برای ازدواج پسر		
بلی	۱۸/۵	۳۰۸۲	بعد از سن تکلیف	۱۷/۴	۴۵
خیر	۱۸/۱	۲۴۸۵	بعد از اتمام تحصیلات متوسطه	۱۷/۳	۱۴۲
برابری در تصمیم‌گیری‌های محلی و ملی			بعد از اتمام تحصیلات عالی	۱۸/۵	۳۹۶
بلی	۱۸/۵	۴۰۵۹	بعد از اشتغال به کار	۱۸/۳	۳۶۳۳
خیر	۱۸/۱	۱۵۰۳	در صورت دارا بودن شرایط مناسب	۱۸/۶	۱۳۰۰
برابری در انتخاب همسر			نمی‌دانم	۱۸/۴	۵۴
بلی	۱۸/۴	۵۱۰۰	زمان مناسب برای ازدواج دختر		
خیر	۱۷/۶	۴۶۸	بعد از سن تکلیف	۱۷/۶	۷۱۹
برابری در تعیین تعداد و فاصله سنی فرزندان			بعد از اتمام تحصیلات متوسطه	۱۸/۱	۲۲۶۶
بلی	۱۸/۴	۵۲۳۶	بعد از اتمام تحصیلات عالی	۱۸/۹	۱۵۴۱
خیر	۱۷/۶	۳۲۶	بعد از اشتغال به کار	۱۸/۴	۷۱۵
			در صورت دارا بودن شرایط مناسب	۱۸/۸	۲۴۱
			نمی‌دانم	۱۸/۹	۸۷

در مورد سن مناسب ازدواج برای پسران، بیشترین افراد زمان مناسب را بعد از اشتغال به کار داشته‌اند، اما

آنهايي که زمان دارا بودن شرایط مناسب مالی را بهترین زمان ازدواج می‌دانستند، از میانگین سن ازدواج بالاتر

برخوردار بوده‌اند. در مورد دختران، بیشترین تعداد، به پایان تحصیلات متوسطه اشاره کرده‌اند، در حالی که بالاترین میانگین سن ازدواج مربوط به کسانی بوده که زمان بعد از اتمام تحصیلات عالی را بهترین زمان دانسته‌اند. این وضعیت اهمیت تحصیلات را در توانمندسازی و بهبود موقعیت زنان نشان می‌دهد. با توجه به نتایج حاصل از اطلاعات جداول ۲ و ۳، می‌توان گفت که ارتقای موقعیت زنان که از طریق افزایش تحصیلات، مشارکت بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی، انتخاب آزادانه‌تر همسر و آرزوی برابری در جنبه‌های مختلف زندگی حاصل می‌شود، تأثیر به‌سزایی در افزایش سن ازدواج داشته است.

به‌منظور بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر سن ازدواج زنان، سعی شده تا با استفاده از رگرسیون چندمتغیره، اثر هر یک از متغیرهای مستقل با کنترل سایر متغیرها مشخص شود. متغیرهای مستقل نگرش زنان نسبت به برابری جنسیتی، متغیرهای دوجبهی مربوط به رده‌های تحصیلات، زبان محلی و قومی، مدت ازدواج، وضع فعالیت، نسبت با همسر، نحوه انتخاب همسر، محل سکونت و متغیر وابسته سن ازدواج در معادله رگرسیون خطی وارد شده‌اند. روش مورد استفاده برای ورود متغیرها، روش گام به گام بوده است.

جدول ۴، مدل‌ها و ضرایب رگرسیونی مربوط به میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از مجموع ۱۹ متغیر مستقل وارد شده در معادله، فقط ۴ متغیر (نگرش زنان نسبت به برابری جنسیتی، نحوه انتخاب همسر، زبان عربی و زبان فارسی) رابطه معنی‌داری را با متغیر وابسته نشان ندادند. مدت ازدواج، همان‌طور که قابل پیش‌بینی نیز بود، قوی‌ترین رابطه (منفی) را با متغیر وابسته داشت و به‌تنهایی ۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (در حدود نیمی از تغییرات تبیین‌شده توسط متغیرهای معادله) را تبیین کرده است. بعد از آن، متغیرهای مربوط به تحصیلات زنان تأثیر عمده را به خود اختصاص داده‌اند. رده‌های تحصیلی بالاتر از متوسطه، با تأثیر مثبت بر سن ازدواج (افزایش سن ازدواج) در کل بیش از ۹ درصد به ضریب تعیین (درصد تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل) افزوده‌اند.



تأثیر قوی‌تر رده‌های بالای تحصیلی در مطالعات قبلی نیز نشان داده شده و علت مهم آن ممکن است این باشد که در رده‌های تحصیلی بالاتر، ارزش فرصت‌های از دست رفته برای زنان بیشتر خواهد بود. بنابراین زنان، تثبیت موقعیت خود از طریق افزایش تحصیلات را بر ازدواج ترجیح خواهند داد. علاوه بر آن، میزان دستیابی به همسر مناسب برای افراد با سطوح تحصیلی بالاتر نیز ممکن است مشکل‌تر باشد. میزان تحصیلات کمتر از متوسطه دارای تأثیر منفی، اما معنی‌دار بر سن ازدواج بوده است. ازدواج زودرس‌تر زنان دارای تحصیلات کمتر از متوسطه را می‌توان با پایین‌تر بودن هزینه‌های فرصت توجیه کرد، چرا که امکان استفاده از فرصت‌ها، به عنوان مثال اشتغال به کار برای افراد دارای تحصیلات بالاتر بیشتر است.

بعد از تحصیلات، اهمیت متغیر نسبت با همسر از دیگر متغیرها بیشتر بوده است. تأثیر مثبت این متغیر، بالا بودن سن ازدواج را در ازدواج‌های با غیرخویشاوند منعکس می‌کند. این مسئله ممکن است ناشی از آن باشد که در ازدواج‌های خویشاوندی، بعضی مقدمات و مراحل ازدواج توسط اعضای خانواده انجام می‌گیرد. شهرنشینی و فعالیت اقتصادی زنان به‌عنوان آثار نوسازی و توسعه دارای تأثیر مثبت بر سن ازدواج بوده، اما نقش آنها در تبیین تغییرات متغیر وابسته، در مقایسه با متغیری نظیر تحصیلات، چندان قابل توجه نبوده است. بیشتر زبان‌های قومی تأثیر مستقلی بر سن ازدواج زنان داشته‌اند. گویش به زبان‌های بلوچی، ترکی و لری با کاهش سن ازدواج زنان و گویش به زبان‌های گیلکی، مازندرانی، ترکمنی و کردی با افزایش سن ازدواج همبستگی داشته‌اند.

#### سن ازدواج مردان

جدول ۵، میانگین سن ازدواج مردان را در ارتباط با برخی متغیرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد. روابط بیان‌شده، همگی، با فاصله اطمینان بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار بوده‌اند. تغییرات میانگین سن ازدواج در ارتباط با سن مردان، رابطه مشخصی را نشان نداده. اما طول دوره ازدواج که تصویر بهتری از سن ازدواج بر حسب زمان را نشان می‌دهد، افزایش سن ازدواج را برای ازدواج‌های دارای عمر کمتر منعکس می‌کند. هرچند این وضعیت برای هر دو جنس مشابه است، میزان افزایش سن ازدواج برای مردان در ۳۵ سال قبل از زمان جمع‌آوری اطلاعات بیشتر بوده است. افزایش بیشتر سن ازدواج مردان را می‌توان به مراحل توسعه

ارتباط داد. همان طور که قبلا بیان شد، در ابتدای صنعتی شدن، به علت وجود مشکلات برای تأمین زندگی مستقل خانوادگی، سن ازدواج مردان که معمولاً نان‌آور خانواده‌اند، به تأخیر می‌افتد.

افزایش میزان تحصیلات مردان با افزایش سن ازدواج همراه بوده است. تفاوت در سن ازدواج مردان در مقاطع تحصیلی متوسطه و بالاتر، همانند زنان، بیشتر است. اهمیت تحصیلات قبل از دوره متوسطه، در سن ازدواج برای مردان بیشتر بوده، زیرا مردان بعد از ترک تحصیل تا زمان ازدواج دوره‌ای را معمولاً برای خدمت سربازی، یافتن شغل و اندوختن پس‌انداز کافی برای اداره زندگی، به صورت مجرد می‌گذرانند. با فرض مشابه بودن این دوره برای همه، تفاوت در زمان ترک تحصیل، تفاوت در زمان ازدواج را به همراه خواهد داشت.

با توجه به متغیر زبان قومی، افراد دارای زبان‌های گیلکی و ترکمنی، به ترتیب دارای بالاترین سن ازدواج و افراد دارای زبان‌های بلوچی و عربی، به ترتیب دارای پایین‌ترین سن ازدواج بوده‌اند. این نتایج کمابیش با نتایج حاصل از تحلیل سن ازدواج زنان هماهنگ است. مردان شهرنشین در مقایسه با مردان روستانشین از سنین ازدواج بالاتری برخوردار بوده‌اند. این تفاوت در مقایسه با تفاوت در سن ازدواج زنان شهری و روستایی بارزتر است. علت آن را می‌توان در تفاوت آمادگی برای ازدواج مردان و زنان در شهر و روستا دانست. هرچند نزدیک‌تر بودن رابطه خویشاوندی بین زن و شوهر، موجب کاهش سن ازدواج مردان می‌شود اما تفاوت زیادی بین دو گروه خویشاوندان و غیر خویشاوندان وجود. در اینجا نیز سهولت در انتخاب همسر از میان خویشاوندان، موجب ازدواج زودتر می‌شود. دخالت والدین در انتخاب همسر، در مقابل دخالت سایر افراد و انتخاب شخصی، سن ازدواج را کاهش می‌دهد. انتخاب شخصی همسر نیز نسبت به دخالت سایر افراد (به جز والدین) موجب کاهش سن ازدواج می‌شود.

تأثیر متغیرهای مستقل بالا بر سن ازدواج مردان، با توجه به کنترل متغیرهای دیگر، در جدول ۶ نشان داده شده است. در حدود ۱۳ درصد از واریانس سن ازدواج مردان توسط متغیر مدت ازدواج تبیین شده و پس از آن، محل سکونت افراد نقش مهم‌تری را نسبت به متغیرهای دیگر داشته است. این متغیر به‌تنهایی بیش از ۴ درصد به قدرت تبیین افزوده و تأثیر آن بر سن ازدواج مردان بیشتر از سن ازدواج زنان است که علت آن را می‌توان در تفاوت آمادگی مردان روستایی و شهری برای ازدواج دانست.

جدول ۵- میانگین سن ازدواج مردان بر حسب بعضی از متغیرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی،

۱۳۸۰

متغیر	میانگین	تعداد	متغیر	میانگین	تعداد
سن			سواد		
۱۵-۱۹ ساله	۱۷/۳	۲۴	باسواد	۲۳/۱	۴۰۸۷
۲۰-۲۴ ساله	۲۰/۹	۴۱۱	بی‌سواد	۲۱/۱	۵۰۲
۲۵-۲۹ ساله	۲۲/۹	۸۴۵	قومیت (زبان قومی)		
۳۰-۳۴ ساله	۲۳/۶	۹۰۶	بلوچی	۲۰/۷	۱۰۷
۳۵-۳۹ ساله	۲۳/۰	۸۶۶	ترکمنی	۲۳/۷	۳۵
۴۰-۴۴ ساله	۲۳/۱	۸۵۶	ترکی	۲۲/۸	۱۱۸۲
۴۵-۴۹ ساله	۲۳/۲	۶۸۱	عربی	۲۱/۸	۱۶۲
طول دوره ازدواج			کردی	۲۳/۲	۳۴۹
۰-۴ سال	۲۴/۳	۱۱۰۴	گیلکی	۲۳/۸	۱۷۲
۵-۹ سال	۲۳/۹	۸۱۳	لری	۲۲/۳	۴۱۰
۱۰-۱۴ سال	۲۳/۲	۸۰۴	مازندرانی	۲۲/۷	۲۸۱
۱۵-۱۹ سال	۲۲/۵	۷۹۰	فارسی	۲۳/۲	۱۸۸۷
۲۰-۲۴ سال	۲۱/۶	۷۲۸	تحت‌وجه انتخاب همسر		
۲۵-۲۹ سال	۱۹/۸	۲۸۸	توصیه پدر و مادر	۲۲/۲	۱۶۲۶
۳۰-۳۴ سال	۱۷/۰	۶۲	توصیه خویشاوندان نزدیک	۲۳/۴	۲۷۹
مدرک تحصیلی			توصیه سایر خویشاوندان	۲۴/۳	۲۱۴
ابتدایی ناقص	۲۱/۵	۴۹۷	توصیه دوستان فرد	۲۴/۷	۸۵
ابتدایی کامل	۲۲/۰	۸۰۸	انتخاب شخصی	۲۳/۲	۲۳۷۸
راه‌نمای ناقص	۲۲/۲	۴۶۳	نسبت با همسر		
راه‌نمای کامل	۲۲/۸	۶۲۵	خویشاوند نزدیک	۲۲/۱	۱۰۱۶
متوسطه ناقص	۲۳/۶	۲۸۸	سایر خویشاوندان	۲۲/۶	۹۶۶
متوسطه کامل	۲۴/۸	۷۹۰	غیر خویشاوند	۲۳/۴	۲۶۰۳
فوق دیپلم	۲۴/۸	۱۹۵	محل سکونت		
سایر مدارک دانشگاهی	۲۵/۸	۳۰۳	روستا	۲۲/۰	۱۸۴۰
حوزوی	۲۲/۶	۲۰	شهر	۲۳/۶	۲۷۴۹
سایر	۲۰/۹	۹۷			

جدول ۶- مدل‌ها و ضرایب و ضرایب رگرسیونی<sup>x</sup> (بناها) مربوط به تأثیر متغیرهای مستقل منتخب بر سن ازدواج مردان، ۱۳۸۰

متغیرها	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	مدل ۷	مدل ۸	مدل ۹	مدل ۱۰	مدل ۱۱	مدل مستقل
مدت ازدواج	۰/۳۵۶	-۰/۳۵۸	-۰/۳۷۵	-۰/۳۷۳	-۰/۳۶۳	-۰/۳۳۱	-۰/۳۲۰	-۰/۳۲۲	-۰/۳۲۲	-۰/۳۲۴	-۰/۳۲۵	۰/۳۲۵
محل سکونت		۰/۳۰۵	۰/۱۹۵	۰/۱۸۷	۰/۱۷۱	۰/۱۴۴	۰/۱۱۵	۰/۱۱۶	۰/۱۱۷	۰/۱۱۷	۰/۱۲۱	۰/۱۲۱
تحصیلات: کمتر از متوسطه			-۰/۱۵۷	-۰/۱۵۵	-۰/۱۳۲	-۰/۰۴۷	۰/۰۰۹					
نسبت با همسر				۰/۱۲۵	۰/۱۱۷	۰/۱۱۴	۰/۱۱۳	۰/۱۱۳	۰/۱۰۶	۰/۱۰۵	۰/۱۰۲	۰/۰۹۹
تحصیلات: سایر مدارک دانشگاهی					۰/۱۰۵	۰/۱۵۵	۰/۱۸۸	۰/۱۸۵	۰/۱۸۲	۰/۱۸۵	۰/۱۸۴	۰/۱۸۳
تحصیلات: دوره متوسطه						۰/۱۵۵	۰/۲۰۹	۰/۲۰۳	۰/۱۹۹	۰/۲۰۱	۰/۱۹۷	۰/۱۹۶
تحصیلات: فوق دیپلم							۰/۱۴۱	۰/۱۳۹	۰/۱۳۷	۰/۱۳۸	۰/۱۳۷	۰/۱۳۶
زبان بلوچی									-۰/۰۶۰	-۰/۰۵۸	-۰/۰۵۷	۰/۰۵۹
زبان کردی										۰/۰۳۹	۰/۰۴۲	۰/۰۴۰
مدت ازدواج											۰/۰۴۰	۰/۰۳۹
محل سکونت												۰/۰۳۳
ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )		۰/۲۵۲	۰/۲۵۵	۰/۲۵۷	۰/۲۵۸	۰/۲۵۹	۰/۲۵۲	۰/۲۵۵	۰/۲۵۵	۰/۲۵۷	۰/۲۵۸	۰/۲۵۹
ضریب F		۲۱۹/۵	۲۳۳/۵	۱۹۷/۱	۱۷۶/۶	۱۵۹/۸	۲۱۹/۵	۲۵۶/۱	۲۳۳/۵	۱۹۷/۱	۱۷۶/۶	۱۵۹/۸

x معنی‌دار در سطح  $P < ۰/۰۱$

میزان تحصیلات کمتر از متوسطه و نسبت با همسر، متغیرهای با اهمیت بعدی را تشکیل می‌دهند. با ورود سایر رده‌های تحصیلی در معادله، رده تحصیلی کمتر از متوسطه اهمیت خود را از دست می‌دهد و در نهایت حذف می‌شود. در بین رده‌های تحصیلی باقیمانده، اهمیت رده تحصیلی دوره متوسطه از بقیه بیشتر است و این اهمیت با کنترل متغیرهای دیگر نیز باقی می‌ماند. رده‌های تحصیلی در مجموع ضریب تعیین را ۵ درصد افزایش دادند.

بعد از رده‌های تحصیلی، زبان‌های قومی، روابط معنی‌داری با سن ازدواج مردان نشان داده‌اند. از ۴ زبان باقیمانده در معادله، زبان‌های بلوچی و عربی دارای اثر منفی و زبان‌های کردی و گیلکی دارای اثر مثبت بر متغیر وابسته بوده‌اند. ضعف تأثیر زبان‌های مختلف بر سن ازدواج مردان، در مقایسه با متغیرهای معادله ممکن است ناشی از عوامل فرهنگی- قومی باشد.

#### خلاصه و نتیجه‌گیری

سن ازدواج به عنوان متغیر مهم بلافصل، تأثیر زیادی بر باروری دارد. افزایش سن ازدواج در کشورها با کاهش باروری همبستگی داشته است. علاوه بر زاد و ولد و باروری، زمان ازدواج و تشکیل خانواده، چرخه زندگی خانوادگی را که حاصل تعامل عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی است دچار تغییر و تحول می‌کند. تجربه تاریخی کشورها و جوامع در دوره معاصر نشان‌دهنده افزایش سن ازدواج است. این افزایش در بین زنان نسبت به مردان شدیدتر بوده است. ایران نیز همانند سایر کشورها، شاهد این تجربه بوده است و ازدواج‌های جدید در سنین نسبتاً بالاتری اتفاق می‌افتند. نظر به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در زندگی افراد و با توجه به افزایش نسبت افراد واجد شرایط برای ازدواج در جمعیت کنونی کشور، مطالعه تغییرات سن ازدواج و شناخت علل مؤثر بر آن هم از بعد علمی و هم از بعد کاربردی در برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی ملی و محلی اهمیت به‌سزایی دارد. با استفاده از داده‌های طرح "آمارگیری از خصوصیات اقتصادی و اجتماعی خانوار" مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۰، این تحقیق اثر برخی از عوامل مهم بر سن ازدواج مردان و زنان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

خانوار" مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۰، این تحقیق اثر برخی از عوامل مهم بر سن ازدواج مردان و زنان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

زمان ازدواج و تشکیل خانواده تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرند. توسعه و نوسازی در دنیای جدید با تغییر سریع و قابل توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد، تغییر در زمان ازدواج و تأخیر آن به زمان دورتر را موجب شده است. فروپاشی نظام‌های خانوادگی گسترده، جایگزینی اقتصاد تجاری و صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی، گسترش تحصیلات همگانی و مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از خانه، از جمله عواملی اند که در تأخیر ازدواج نقش دارند. از طرف دیگر، وقوع انتقال جمعیتی و کاهش شدید مرگومیر، با دگرگون ساختن ساختارهای جمعیتی، تعادل در عرضه افراد واجد شرایط برای ازدواج بر حسب جنس را دگرگون کرده و تأخیر یا تعجیل ناخواسته ازدواج برای مردان و زنان را موجب شده است. با وجود نوسازی و دگرگونی اجتماعی در بیشتر کشورها، وجود رابطه خطی بین درجات نوسازی و تغییرات سن ازدواج تأیید نشده است. هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و قومی، هنوز در ورای نوسازی اقتصادی و اجتماعی اثر خود را اعمال کرده و افزایش و کاهش سن ازدواج را به‌طور مستقل موجب شده‌اند.

نتایج بررسی حاضر، افزایش سن ازدواج مردان و زنان را با توجه به مدت ازدواج نشان می‌دهد. ازدواج‌های دارای عمر کوتاه‌تر در سنین نسبتاً بالاتری به وقوع پیوسته‌اند. با کنترل مدت ازدواج به عنوان شاخصی برای تفاوت سنی، تحصیلات بالاتر، داشتن نسبت دورتر با همسر، شهرنشینی و تعلق به بعضی قومیت‌ها، به ترتیب اهمیت، رابطه مستقیم و معنی‌داری با سن ازدواج مردان و زنان داشته‌اند. با توجه به دگرگونی نظام‌های اقتصادی و اجتماعی و اینکه در ابتدای مراحل صنعتی‌شدن، به علت تغییر نظام‌های خانوادگی و افزایش خانواده‌های هسته‌ای، آماده کردن مقدمات زندگی مستقل مشکل‌تر از پیش است، رابطه منفی بین سن ازدواج (به‌ویژه مردان) و مدت آن قابل توجیه است. وضعیت اشتغال و غلبه بخش عمومی و تقسیم کار تخصصی فزاینده، آمادگی برای تصدی مشاغل دلخواه را نیز مشکل ساخته است. سخت‌تر شدن

شرایط تصدی شغل دلخواه، همچنین با افزایش نسبت نیروی جوان آماده کار در جمعیت کشور و ناتوانی نظام اقتصادی پیوند خورده است. ارتقای تحصیلات و تخصص، لازمه حصول به این آمادگی است. به همین دلیل رده‌های بالاتر تحصیلی نقش بارزتری در افزایش سن ازدواج دارند. اثر قوی‌تر شهرنشینی بر سن ازدواج مردان نسبت به زنان، رامی‌توان تا حد زیادی ناشی از تحولات وضعیت اشتغال دانست.

افزایش سن ازدواج زنان تا حد زیادی تابع بهبود موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان است. گسترش تحصیلات عمومی موجب مشارکت بیشتر زنان در امور بیرون از خانه و آگاهی از وضعیت خویش و تلاش برای بهبود آن در جهت نیل به موقعیتی همانند مردان شده است. در نتیجه، ارزش‌ها و آرزوهای مرتبط به ازدواج و تشکیل خانواده زنان دچار دگرگونی شده‌اند. برای دستیابی به موقعیت بالاتر، به تأخیر انداختن ازدواج، اقدام دوراندیشانه‌ای است، اقدامی که ترغیب و تشویق والدین و اطرافیان را نیز موجب شده است. علاوه بر آن، موقعیت حاصل شده نیازمند تثبیت بوده و این مسئله زمانی امکان‌پذیر است که همسری مناسب و حافظ موقعیت فرد به زندگی راه یابد. از آنجا که یافتن چنین همسری چندان ساده نیست، تأخیر مضاعف ازدواج حاصل کار خواهد بود.

تأثیر مثبت یا منفی بعضی از قومیت‌ها بر زمان ازدواج زنان، اثر تفاوت‌های فرهنگی را نشان می‌دهد؛ تأییراتی که هنوز با توجه به یکنواختی مضاعف ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در دنیای جدید، هویت خود را حفظ کرده‌اند. تکلم به زبان بلوچی به‌عنوان شاخص تعلق به قومیت بلوچ، با کنترل سایر متغیرها، ازدواج‌های زودرس‌تر را برای زنان و مردان به همراه داشته است. این وضعیت می‌تواند به هنجارهای فرهنگی مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده در این گروه قومی نسبت داده شود و شناخت چگونگی تأثیرپذیری الگوهای مربوط به ازدواج از این هنجارها نیازمند تحقیقات گسترده‌تری در حوزه جمعیت‌شناسی مردم‌شناسانه است.

با توجه به آنچه بیان شد، تغییرات آتی وضع ازدواج از نظر زمان وقوع آن، به فرایند توسعه و صنعتی شدن، تغییر موقعیت زنان، وضعیت اشتغال، تغییر ساختار جمعیتی و وضعیت عرضه و تقاضا در بازار ازدواج و هویت، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی بستگی دارد. پتانسیل موجود برای بهبود بیشتر موقعیت زنان، تداوم

افزایش سن ازدواج زنان را حداقل تا مدتی تضمین می‌کند. زمان‌بر بودن اصلاح ساختار اقتصادی در جهت جذب نیروهای آماده برای کار، نیز وضعیت مشابهی را برای مردان به همراه دارد. فردگرایی و هسته‌ای شدن بیشتر خانواده‌ها، وضعیت فوق را تقویت می‌کند. با این وجود، عدم مقبولیت اجتماعی و قانونی وصلت‌های خارج از ازدواج در جامعه، دستیابی زنان به موقعیت دلخواه و برابری بیشتر افراد آماده ازدواج (مردان و زنان) از نظر اقتصادی و اجتماعی به همراه تغییر ساختار جمعیتی (در جهت تسهیل دستیابی به همسر مناسب)، افزایش سطح رفاه جامعه و تقویت ارزش‌های حافظ نظام خانوادگی، در درازمدت از سرعت افزایش سن ازدواج می‌کاهد و تثبیت یا حتی کاهش آن را به دنبال خواهد داشت.

مآخذ

- جعفری مؤدبی، افشین (۱۳۸۲) "عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران"، پژوهش زنان، دوره ۱، ش ۵، (صص ۱۰۴-۸۳). / نقل قول مستقیم در مقاله.
- درودی آبی، ناهید (۱۳۸۱) "عدم توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج"، فصلنامه جمعیت، ش ۴۱، (صص ۲۲-۱). / نقل قول مستقیم در مقاله.
- زنجانی، حبیب‌الله و دیگران (۱۳۷۸) جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران: بشری. / کتاب با  
بیش از دو مؤلف.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش. / کتاب.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر  
مرکز. / کتاب ترجمه.
- لوکاس، دیوید و پاول میر، ویراستاران (۱۳۸۱) درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین  
محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. / کتاب ترجمه با بیش از دو مؤلف.
- مهدوی، محمدصادق (۱۳۷۷) بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، تهران: انتشارات دانشگاه شهید  
بهشتی. / کتاب.
- میشل، آندره (۱۳۵۴) جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات  
دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. / کتاب.
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۸۱) سیمای جمعیت و سلامت در جمهوری اسلامی  
ایران، مهر ۱۳۷۹، تهران. / گزارش چاپ نشده.

- Abbasi-Shavazi, M. J. (2000) *Effects of Marital Fertility and Nuptiality on Fertility Transition in the Islamic Republic of Iran*, Working Papers in Demography, Canberra: Australian National University.
- Aghajanian A. (1991) 'Women's role and recent marriage trends in Iran', *Canadian Studies in Population*, 18(1):17-28.
- Caldwell J. C. et al. (1998) 'The construction of adolescence in a changing world: implications for sexuality, reproduction and marriage', *Population Studies*, 37(3):343-61.
- Caldwell J. C. et al. (1983) 'The causes of marriage change in South India', *Studies in Family Planning*, 29(2):137-153.
- Carmichael G. A. (1988) *With This Ring: First Marriage Patterns, Trends and Prospects in Australia*, Canberra: Australian National University.
- Casterline J. B. et al. (1986) 'The age differences between spouses: variations among developing countries', *Population Studies*, 40:353-374.
- Jensen R. and Thornton R. (2003) 'Early female marriage in the developing world', *Gender and Development*, 11(2):9-19.
- Joshi N. (2003) 'Correlates of female age at marriage in two states: Uttaranchal and Uttar Pradesh', <http://jhucp.org>.
- Malhotra A. (1997) 'Gender and the timing of marriage timing: rural-urban differences in Java', *Journal of Marriage and the Family*, 59(2):434-50.
- Malhotra A. and A. O. Tsui (1996) 'Marriage timing in Sri Lanka: the role of modern norms and ideas', *Journal of Marriage and the Family*, 58(2):476-90.
- Mitra P. (2004) 'Effect of socio-economic characteristics on age at marriage and total fertility in Nepal', *Journal of Health and Population*, 22(1):84-96.
- Otoo-Oyortey N. and S. Pobi (2003) 'Early marriage and poverty: exploring links and key policy issues', *Gender and Development*, 11(2):42-51.

- Preston S. H. and M. A. Strong (1986) 'Effects of mortality declines on marriage patterns in developing countries', in United Nations (ed.), *Consequences of Mortality Trends and differentials*, New York: United Nations, pp 88-100.
- Quisumbing A. R. and K. Hallman (2003) *Marriage in Transition: Evidence on Age, Education and Assets from Six Developing Countries*, New York: Population Council.
- Smith P. C. (1980) 'Asian marriage patterns in transition', *Journal of Family History*, 5(1):58-96.
- Tashakkori A. and V. D. Thompson (1988) 'Cultural change and attitude change: an assessment of post-revolutionary marriage and family attitudes in Iran', *Population Research and Policy Review*, 7(1):3-27.
- Vallin Jacques (2004) "The demographic window: an opportunity to be seized", Paper presented at the seminar on *Demographic Issues in Contemporary Iran and France*, Tehran.